

"صلح و آزادی"

را پرچم بسیج مردم و نجات کشور کنیم

بیست و هفت سال پس از انقلاب ملی و ضد استبدادی بهمن ۵۷، نه تنها می توان آرمان های از دست رفته و به انحراف کشانده شده آن انقلاب را برشمرد و از فرصت هائی نام برد که برای تحقق آن آرمان ها از کف رفت، بلکه باید نگران فجایع تازه ای بود که به ایران و ایرانی تحمیل می شود. در راس این فجایع ضربه به تمامیت ارضی کشور و ویرانی تازه ای قرار دارد که در ابعادی نه تنها بسیار فراتر از جنگ فرسایشی با عراق، بلکه تاریخی و شاید قابل مقایسه با ویرانگری یورش مغول ها به ایران و فاجعه سلطه اعراب بر ایران فرود خواهد آمد.

آنها که نقش اساسی را در به انحراف کشاندن انقلاب بهمن ۵۷ از همان فردای پیروزی این انقلاب داشتند، ترور حکومتی را با آیت الله مطهری آغاز کردند، نقش مهمی در تحریک سازمان مجاهدین خلق به کشیده شدن به راه فاجعه بار ترین سیاست ها را داشتند و موج ترور و اعدام و جنایت را از دل این انحراف بیرون کشیده و رقبای پر قدرت را از سر راه خویش برداشتند، سیاست یورش به آزادی ها را با صحنه سازی تظاهرات خودجوش حزب الله در برابر دفاتر مطبوعات و احزاب سیاسی پیش بردند و مانع اجرای مترقی ترین و انقلابی ترین اصول گنجانده شده در قانون اساسی در زمینه تجارت خارجی، مالکیت زمین، قانون کار، حقوق برابر زن و مرد و ... شدند، نقش تعیین کننده تحمیل جنگ فرسایشی با عراق به ملت ایران را داشتند و نزدیک به یک میلیون کشته و مجروح و معلول و مفقود جنگی روی دست مردم ایران گذاشتند، آنها که هولناک ترین جنایات را در زندان ها مرتکب شدند و موج اعدام های سال ۱۳۶۰ را با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ کامل کردند، آیت الله منتظری را در گوشه خانه خویش محبوس کردند و اندک روحانیون جان بدر برده از موج ترورهای سال ۶۰ یا رسماً اعدام کردند و یا به بند کشیدند و یا به گوشه انزوا راندند، همان ها که با حکم مشکوک قتل سلمان رشدی سنگ بنای سیاست های امروز احمدی نژاد و رهبر جمهوری اسلامی را نهادند و گردانندگان انواع توطئه های تاریخی علیه خیز دوباره ملت ایران برای نجات انقلاب ۵۷ را با شتاب بخشیدن به قتل های زنجیره ای آغاز کردند و... همان ها امروز منادیان سیاست فاجعه باری شده اند که اگر نتوان در برابر آن ایستاد و مردم را آگاه و در برابر آنها بسیج کرد می روند تا ویرانی حمله مغول و اعراب به ایران را برای تاریخ ایران به یادگار بگذارند.

فاجعه تولید بمب اتم در ایران و کابوس تبدیل دوباره مردم ایران به گوشت دم توپ برای تحقق رویای جنون آمیز رهبری جهان اسلام می رود تا این یادگار را از خود برجای گذارد. همانگونه که در تمام توطئه های ۲۷ سال گذشته ارتجاع مذهبی اسب تراوای خیانت ها و فاجعه ها بود، امروز نیز همین ارتجاع برای فاجعه هول انگیز اتمی نقش آفرین است.

ما تردید نداریم که نفوذ پر قدرت سازمان های اطلاعاتی در دل و تا بن استخوان حاکمیت جمهوری اسلامی فاجعه جدید را شکل می بخشد. همان ها که با کودتای نوژه و یورش طبس و جنگ تحمیلی کابوس تکه تکه کردن ایران، تحمیل جنگ داخلی و تغییر جغرافیای سیاسی ایران را می خواستند به ملت ایران تحمیل کنند و در هر کدام از آن توطئه ها تنها توانستند به بخشی از اهداف خود برسند و نیمه ناکام ماندند، امروز باد فتح اتمی را در کله کسانی کاشته اند که در راس حاکمیت مطلقه می تازند. توطئه تبدیل بمب اتم به خواست ملی را این باد با خود آورده است. پیشرفت های تکنولوژی اتمی در ایران که ثروتی ملی است و هیچ ارتباطی به خواست و اراده حاکمیت خائن به انقلاب ۵۷ برای تبدیل آن به ضامن بقای حکومت خویش

ندارد با هم می خواهند گره بزنند. اینست آن فاجعه ای که سازمان های جاسوسی جا خوش کرده در حاکمیت مطلقه می خواهند از دل آن، حمله مغول به ایران را تکرار کنند. بدین ترتیب است که امروز شعار صلح خواهی جان مایه "استقلال ملی" شده و در کنار شعار آزادی، معنا و مفهوم یک شعار واحد برای جلوگیری از وقوع این فاجعه و مقابله با خائنین به انقلاب ۵۷ که به حاکمیت مطلقه دست یافته اند را می دهد. این شعار در پی وحدت ملی برای نجات آن ۵۹۰ میلیارد دلار نفت - این ثروت ملی - در طی ۲۷ سال گذشته است که از غارت و جنگ افروزی و چپاول حکومتی، بصورت تکنولوژی اتمی، نیروگاه های برق اتمی، مترو، پل و جاده و ساختمان باقی مانده است. با ویرانی آنها و سیل کشته و آواره جدید در کشور، این بار تجزیه خاک ایران و از چنگ رفتن تمامیت ارضی ایران نیز همراه است. "صلح و آزادی" را پرچم و شعار جلوگیری از این فاجعه سازیم!